

نداء خلق

بنام خدای عزیز و توانا !

نامه نداء خلق خادم خلق - رهنمای مردم با اساسات دیموکراسی و مبارز حقوق خلق است - نامه نداء خلق راه حوال حکومت خلق - توسط خلق و برای خلق را بمردم نشان میدهد - متکی بر اساسات دیموکراسی - نامه ما برای رویکار آوردن دیموکراسی و آزادی - انتخابات آزاد - تامین تعادل اساسی در بین قوا - تلاش ملی و نشرات نموده و درین مساحت خود را مدافع حقوق خلق می شناسد - تامین عدالت اجتماعی در حقوق و محاکم - مصونیت حیات و مسکن - شعرات برای بهر معارف مفید و عمومی و حیات صحی آزادی فکر و بیان و شعرات تامین عدالت اجتماعی در کار و ارتقا و تامین محکمه آزاد هدف اولی و اساسی نامه ما بوده و مبارزه در راه تامین این اساسات دیموکراسی را نداء خلق فرض خود میداند - برای بوجود آمدن این بنیاد - دیموکراسی و آگاه شدن مردم بحقوق خود و تشکیل حکومت خلق - البته نشر قوانین دیموکراسی لازم بوده و ماقوانین سایر ممالک و قوانین موجوده مملکت را با نظریات و عقاید خود نشر و تنویر خلق را درین زمینه و جیبه خود میدانیم - قدا کار با نشر قلم در راه حفظ تمامیت خاک و صیانت ناموس و وطن و حقوق و نوامیس مشروطیت از فرا شش اولیه نامه نداء خلق است - مجاهده در راه تامین وحدت ملی - تعریض مردم بکار و دفاع از حقوق و منافع خلق در کار و بیکار و هذ اساسی این نامه بوده در رهنمائی خلق و مبارزه با استثمار و دشمنان منافع خلق را هدف خود میداند - نامه نداء خلق استبداد رای - استبداد در محاکمه و استنطاق - استبداد در استخدام و تقاعد - استبداد در نشرات و سانسور و خلاصه هر نوع استبداد فکری و عملی را مخالف اساس و اصول دیموکراسی شمرده و بازو منطق و توان قلم و قدرت آراء عمومی خلق مانند یا مجاهد بر علیه آن مبارزه مینماید - نامه نداء خلق ثابت میکند که چگونه نیروی مشترک خلق آگاه شدن آنها بحقوق و قدرت مادی و معنوی خود و همکاری در راه تامین دیموکراسی حقیقی و ادراک حس مسئولیت اجتماعی بشیبه در صفحه (۴)

عطا شی

راه حوال دیموکراسی

ما طرفدار اغتشاش و خونریزی نیستیم و لذا بخلق نیز اثرات امید نمی نمایم - اغتشاش نظام زندگی را از بین برده هیچ و هیچ تولید میکند هستی را محو و مخالف نام دیموکراسی است - ما فقط انقلاب فکری میخواستیم - آرزو داریم هر طبقه افکار دیروزی خود را ترک داده بحق گرائیده و برای نجات قوم راه نجات و رستگاری و سعادت بسنجند فرض اول خلق آگاه شدن آنها با حقوق خود شان است - بر از آشنا شدن بحقوق خود قدم دوم آن با ثبات و اتحاد و مقاومت دفاع از حقوق خود شان است - طرز دفاع با حمله اغتشاش و انقلاب ندمیست بوده و نه مفید است و هیچ فردی از منورین مملکت آرزوی کوچکترین اغتشاش را در محیط ندارند براصدمه اولی آن بجامعه منور مملکت میرسد - فقط طرز دفاع با استفاده از قانون و مانوره و راه دیموکراسی است اول باید در مقابل متصرفان زبان و داندان قانون پیش آمده و گویا برای این کار دانستن قانون و سواد لازم است - اما چون ملت ما اکثریه سواد ندارند پس فرض و ناموس هر با سواد است که حقوق خلق را مطالبه قوانین با آنها بفهماند - نداء خلق مترجمان این مملکت را با توضیحات لازمه نشر مینماید - تا اینجا اگر متصرفان یا مامور طرف معامله حرف خلق را نشنید مطابق قانون بهامور یا لایحه مقام صدارت مراجعه لازم است - خواهید گفت که ما تا کنون همین جور میکردیم ولی سودی نداشت اما مطابق قوانین دیموکراسی و آزادی راه دیگری هم موجود است که تا کنون به آن مراجعه کرده نمیتوانستید و آن نشر افکار شما توسط روزنامه های ملی و آزاد بوده که لله الحمد اکنون به وجود آمده اند - پس اگر خلاف قانون بر شما مظالمی رفت و کسی بداد شما نرسید روزنامه های ملی مخصوصا "نداء خلق" که عهد را خادم و آینده انعکاس افکار بشیبه در صفحه (۴)

شاه علی سید احمد شاه هاشمی

نواهی حق

مزاران حمد و ستایش نثار بارگاه خدای قدیر و کارساز - چه اراده فرموده اند! بیزار از رکود و جمود مرگ آسائیکه سالهاست دامنگیر حیات این ملت ستمدیده شده و نه تنها حق گفتن و مال جان بود بل نفس کشیدن بر حق را نیز کابوس هولناکی دیده و اشهرالزین وادی خاموشان بنام نداء خلق "نداء حق" برآید.

پیشوای اعظم مسلمانها - حضرت محمد (ص) میفرماید: (الحق مر) حق تلخ است.

آری!! همین مرارة است که ضم حق در زمیند افکار ناهم و سرشت های نا اهل نشو و نما نکرده به ثمر نمیرسد. حق تلخ و نا گوار است - لیک صوری که از نغل آن حاصل می آید مذاق زهد گانی فردی و اجتماعی را شیرین میسازد. حق تلخ است - اما نسخه مجرب هست که بدست حکیم مطلق نوشته شده - و دواهی کافی است که بیک جرعه آن درد مندان مرض شود پسنیدی - نا اهلی - ستمگاری - خیانتکاری و بیمراه روی راشفا عاجل و کامل بخشیده برآه راست میآورد.

را هیکه انحراف و لغزش هرگز دران سزاع نمیتوان کرد. را هیکه بشریت را بسادات - خیر - فلاح و بهبودی دنیا و آخرت رهبری میکند - پس حق چرا تلخ است؟ برای اینکه آینه صاف و چهره نمای حقیقت میباشد - عکس هر فرد را با کیفیت راستی - صفات طبیعی و هویت ذاتی او بمردم معرفی میکند.

آینه راستی است که در روئی و فریب دران نمیگنجد - هر فردیکه بان رو برو شود چهره حقیقی خود را بی مدهنه و ریا دران مینگرد. حق باین سبب تلخ است که درد را دردی معرفی میکند - خائن را خائن میگوید خیانت کار را جانی میشناسد - ظالم را ستمگار و نا اهل را نا اهل قلمداد میکند - همچنانیکه صادق را صادق - نیکو کار را نیکو کار - عاقل را عادل - و لایق را لایق خطاب مینماید و احترام میکند بر فرموده مقتدای ماحضرت "محمد ص" نیز راست است - یعنی حق باید تلخ باشد اما بمذاق کدام مردم؟

بلی!! بکام خا نشین - جنایت پیشه گان - جفا کاران و نا اهلانیکه نمیخواهند خود و دیگران چهره حقیقی ایشان را در آینه حق ببینند و بدگهری و کردار نامکارانه آشکار شود.

ملتی که بامراض اجتماعی درد مند و علیلا باشد جز بدوای حق گفتن و حوشنیدن مداوا نمیشود. اطباء نا آزموده که میخواهند همچو مریض را به سفوف و عقاقیر درمان کرده به راه بیارند - خود گمراه بوده طریق غلط می پیمایند و مریض خویش را ببنا تب مرگ می کشند.

ما یسین داریم که اکنون میتوانیم با این نسخه مجرب درد خود را درمان و کالبد افسرده و علیلا خوشتر را قاب و توانی بخشیم. چه مریضی را که خداوند میخواهد شفا بخشاید طیبها ذمی را بسر وقتش رسا تریده و نسخه مجربی را بوی الهام میکند. ما اکنون در بستر احتضار افتاده و با سكرات موت دست و پا میزنیم - لیک خوش بخت و امید داریم که طبیب ما خدای بزرگ و حکیم بر حق هواری گرفتند و "نداء حق" را برای درمان ما نسخه مجرب فرستاد. ما بعد از بس با "نداء خلق" نواهی حق میسر آئیم تا بر زخمها و جراحات نا سور ما مرهمی گذاشته شود - ما حق میگوئیم تا آلام جانگاه ما تخفیف و تسکین گردد. ما حق میگوئیم تا قلوب افسرده ما تاب و توانی در یابد - ما حق میگوئیم تا ارواح مرده ما باز زنده شود و هیولای مرگ و فنا را از خویشتن برانیم. ما نسخه حق ساز میکنیم و از آنهاهی که نمیخواهند بشنوند هر امی نخواهیم داشت - زیرا ما طرفدار حقیم و خدای بر حق نگهدار ماست. ما آهنگ حق را سر میکنیم و یقین داریم بگوش ها شیکه هنوز بناموس فطرت باقیمانده اند گوارا می افتد - و سرشت آنهاهی را که هنوز از چاشنی این نوا بر خور دار نشده و الفتی ندارند با صیفا انسر و عادت تزکیه و تطهیر مینماید - زیرا حق جز سعادت - خیر و فلاح ملت و مملکت - دیگر غایب و مقصدی ندارد. اساس دیموکراسی اسلامی و جهانی بر حق گفتن بجزرت و صاف و پاک حقایق را اظهار نمودن نهاده شده است " جاء الحق و زوال الباطل ان الباطل كان زهوقا "

آمدگی

عجب خان و رجب خان

عجب خان - بابه حال مردم هوشیار شده اند آیا باز میل دارید که مردم را فریب دهی؟ رجب خان - نی بیچیم. عجب خان - بخدا در همی نمی گفتنتهم یا نه یا است. (هو خا مذاقی)

شاعلی آینه

حسرت نداشتن

در شمال تند و تیز و جاروب زدنهای سراه قیر که هزاران
مکروب و با سیار را برهگذر اهدا میکند.. رجبخان نا
بهنگام گیر آمده و شرف لنگو ته را زیر دندان گرفته
بود - که بقا صله چند سانتی مترو سرعت کارطور -
موترهاي آخرین سیستم سو زمان از بفلش رد میشد.
رجبخان که جانشر را بقیمت کرده زمین دوست دارد به
قهر شده و با قد کو تاهش بیاد جست بالای دیوار در پنا
برآمد .. او موترها .. آهسته تر .. به ترافیک شکا
میبرم - آخر برای مردم خطر دارد و ازین سخنان کس
نشو بسیار گفت .. هنوز گپ در دهانش موجود بود
که یار قدیم کاکه با جل خاموش خود رسید ..

هاهاها .. رجبخان چه میگی بخیاالم که عوض جل محالیه
توریز میکنی .. چه ریخته - چه پا شیده .. بروقدته
بخوری .. رجبخان بغیظ آمد و بدون کدام سلام علیه
وضع رابه وی شکایت نمود ... :

خو کاکه آغا - ای موتراره میبینی - بعد اینکه آغا
زاده ها را بخود نمائی مخصوص تحویل مدرسه نمود -
وسانندن بعمام - اعاده از دعوت و حمل بزرگان محفل
و آوردن بیاز و سیر و تفریحات دور و نزدیک را بعهده
دارد ...
برزه هایش بیوسعه گم و تبدیل و عوضی از دفتر -
منظور است - تیار را تگوه درین مد و جزر با زار بیک
معاش دیگری است .. وقتی کمی مستعمل شد - لیلام و
لوکر دیگر در گاراج موجود است .

کاکه ، خو برادر پولش از کجامیره ..
رجبخان - همین موترهاست که خرج اسفاری آن قماش کفین
را قلبت بخشیده و هیمتت از مالیده که بر سر تقسیم نا
منظم و بیعدالتی آن مادرهایی فرزند و خانمها بیوه
شده اند ، یا از حصول صفائی بیصفا که در مرکز شهر
ها میبینی - تادیه شده است .. کارخانه های " رولز ایتس
" " کرسلور " و " پاکارد " بیوسعه از فرمایشهای ماد دارد .
و پولهای این موترها لوکر از جیب خلیفه تهیه میشود .
کاکه - رجبخان بیدار آگه ای موترا و جاه و جلالش به
مو بوسد - چه خات شدی ..

رجبخان - راستی آنوقت است که بکلی تغییر باهیت -
داده و ای گپ از یاد مام میره و چون تو شاعرو بذله گو

شاعلی بهار

د قوم د پاره نینه صهیح خدمتگا را بنا ئیژی
و اعتلا تده وطن بیا وینر حلمیان بنا ئیژی
له تش وینا و چسری دی توله ورخی لگینا
د خیر عمل او د بهبود چاره سنجان بنا ئیژی
راحی چه تیرگنورد تیروله یار نو خفنه
مستولیت نه د سبا خلاصی د حان بنا ئیژی
که لاسر تر زنی کمو و پرونده د لاسلا فوگور سه
تش لاسر به یو استفاده اوس که زمان بنا ئیژی
د مد نیت کاروان دیورا ندی به دور زمین نو وینر
تر کله جهل خوب لعی موز سبد حان بنا ئیژی
تخو تو قومونه سره یوشی هیواد ورا ندی بیاشی
نو یو پشتون کینی تورا و سپین تو کوم زمان بنا ئیژی
دا کورنی قبیل سوی نفاق کپود و مره پسمان
د مطلب لور ته به یو والی گرد روان بنا ئیژی
بهار به سر او مال و لار غواری وحدت د ملت
جد و جهنده سره د ژوند تروروستی آن بنا ئیژی

خوب است دقیقه بخندید

از حاشیه کتاب ملا نصرالدین

تقاعد - یعنی موسسه طرد کسا نیکه افتضات صحرا را ندانند .

رئیس شرکت - آنکه یوا زیاد داشته ولی بیسواد باشد
نو یسنده گان مرتجع - یعنی نغمه سرایان موسعان
مد یحه سرائی که سیاه را با اعجاز قلم سفید سازند .
و بین حلمیان و یا جوانان بیدار - یعنی آنها نیکه
هنوز در خواب غفلتند .

قانون مطبوعات - مال ارتجاع - میراث استبداد و
مخالف دیموکراسی .

× هستی کاکه آغا - امی که مره سر موتم میبینی ..
خات گشتی رجبخان ! به هو بفل بجل
میسانی که زیرش اسپ و با لایش خواست

بتدیه بر مقاله

و با بندی و عشق بقانون و نظم و دشمنی با تشدد و اغتشاش و بی نظمی که مخالف مرام و اساس دیموکراسی است میتوان شاهد سعادت و خوشبختی را با غوش کشیده و مظالم و سیاه روزی را بر طرز ساخت این است و چون مرام نامه نداء خلق که بلا تفریق نژاد و قوم مظهر احساس و عواطف و افکار قوم از آموخته است و حاضر است هرگونه مقالات و تنقیدات و شکایات مردم را بر روی این اساس بپذیرد - و مناله التوفیق . محمودی

بتدیه راه حواله دیموکراسی خلق از هر طبقه و نژاد از مسلمان و هندو میدانند و خود را مدافع حقوق و نامیر مردم میدانند - حاضر است از حقوق شما دفاع کند و صدای شما را بگوش های گرانشنو برساند و در راه احقاق حق شما مبارزه کند - در راه حصول حق برای مردم عزم - ثبات - وحدت - و سعی در تحصیل سواد و تا زمان با سواد شدن و آشنا شدن بچشور خود از راه گوش لازمیت - بر درین مبارزه منورین و با سوادان مسئولیت سنگین وجدائی و ایمانی داشته و اگر در راه ایقار این وظیفه ملی خود غفلت نمایند - در نزد حق و وجدان و تاریخ مسئولند . ثالثا ملاحظه فرمائید که درین دیموکراسی مردم حق دارند جمعیت های سیاسی یعنی حزب و پارتنی بصورت علنی تشکیل داده و گو یا بد و در یک مقوله جمع شده در انتخابات و کلا خود برای مجالس مشوره و شورا ملی با اساس حزبی مجامعه کرده و کسانیرا که حقیقتا نماینده خودشان بوده و طرف اعتماد شان باشد انتخاب کرده و نگذارند که حکام بعرضان مداخله کرده و نمایندگی خود را انتخاب کنند و اگر کدام حاکم مداخله میکرد فوراً شکایت خود را به کمیته انتخابات و هم در عین زمان بیک روزنامه ملی خود بنویسند تا قانون انتخابات و طرز انتخاب آزاد را برای معلومات خلق نشر مینمائیم پس از آنکه و کلا شما در شورا ملی جمع شد باید مطابق قانون با مرذات - شاهانه و شهر حزب غالب کابینه را تشکیل و و کلا خود ملت و زارتخانه ها را اشغال و ملازم آرزو و مرام خلق تشکیلات و قوانین را ترتیب داده و چون و کلا ملت طرفنا اعتماد آنها میباشد پس طبعا برای رفاه و آرامی خلق کار میکنند برای اینکه عدالت برقرار مانده و بیک حزب نتوانند حسب میل خود و افراد خود با مداخلات مردم بازی کنند - پس در شورا ملی اقلیتی که باقی میماند و کلا دست چپ و یا مخالف حکومت را تشکیل میدهند پس آنها دایما بر هر حرکت و قانون و طرز اداره و

مکتوبه یارده :

شاغلی عبدالرب "حایل"

بهر که مر بوط است لطفا جواب بفرمایند ؟

بند از اقباب

مبلغ دو لکه افغانی بطور اعانه از طرف مقامات صالحه پراستمدیده گان سیلاب ناحیه ۴ منظور و شماره ۱۰۹ مورخه ۱۸ سنبله سال ۲۷ اصلاح با نشر اسامی ستمدیده گان سیلاب خواجه صفا و میالغ مصینه شان تذکره داده بود که منجمله دو لکه افغانی تخصیصه خساره دیده گان سیلاب مبلغ (۵۲۳۳۳) افغانی و ۶۷ پولا حسب بر آورد بمستحقین بروز مسینه توزیع و متبانی یعنی مبلغ (۱۴۷۱۳۱) - افغانی و ۳۳ پولا برای مصارف ترمیمات و انستاد مجرا آب سیلاب بالا کوه و دیگر حص ترمیم طلب آن ناحیه مشغول گردیده است - اکنون دو سال و چند ماه گذشت ولی اثری از بند و پلان و پول مذکوره پیدا نیست و شاید پول بکدام مدرسه دیگری صرف و یا بصندوقی بند مانده است . (نداء خلق روح شن مفضل آقای خاثر که در قون است ما هم بنوبه خود منتظر جوابیم .)

x سیاست حکومت یعنی و کلا اغلب و کثرت که کابینه را تشکیل داده اند - آزادانه اعتراض کرده و چون جریاں شورا آزادانه نشر میشود (ولو تا کنون در شورا ما نیسند و شاید بعد ازین شده بتوانند) پس مردم از اجراءات دولت - دلایل شان و اعتراض و کلا مخالف واقف شده و باین صورت اجراءات بمقاد مردم و کثرت خلق تمام شده و امور دولت سر و صورتی پیدا کرده و مملکت آباد و آرام شده و منافع هر طبقه و قوم و لو اقلیت باشد تا مین میشود - این است راه مجادله و مبارزه برای حقوق در یک حکومت دیموکراسی و تشکیل حکومت خلق برای خلق و توسط خلق - ما تجارب و - مشاهدات خود را در خارج با تطبیق آن در داخل مرتباً نشر خواهیم نمود .

شرح اشتراک

کابل	:	۴۰	افغانی سالانه
ولایات	:	۴۵	رد
خارج	:	۵	دالر

قیمت یک شماره ۱۰ پولا

مبایعه : مستتر شخصی نداء خلق - کابل